

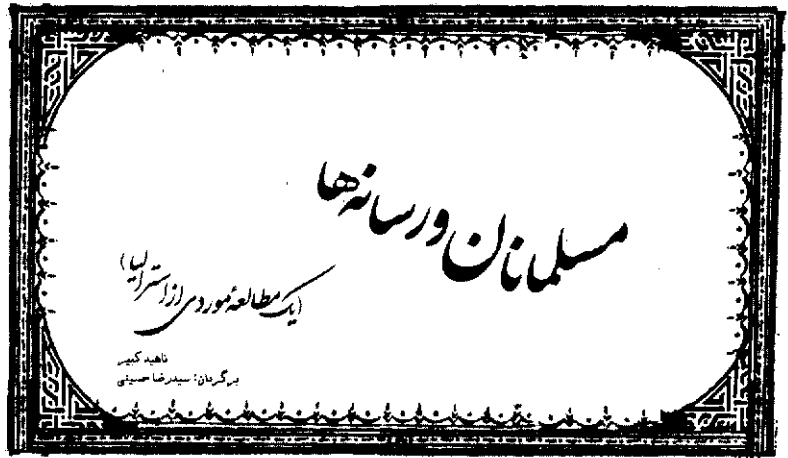
**YOU ARE NEAR.**

**NOW IS THE TIME TO TAKE ACTION**



# ISLAM IS NOT A THREAT





مسلمانان استرالیا از اقوام گوناگون هستند ولی لحن برخی گزارش‌های رسانه‌ها حاکی از آن است که همهٔ مسلمانان یکسان هستند. اغلب به نظر می‌رسد که یا با هدف نادیده گرفتن مسلمانان به عنوان «آن دیگری» نامتمن در تضاد بین فرهنگ شرق و غرب، یا به دلایل صرفاً منفعت‌طلبانه کلیشهٔ رسانه‌های رفتار جنون‌آمیز، خشونت ذاتی و اعمال وحشیانهٔ مسلمانان تعمداً زنده نگه داشته می‌شود.

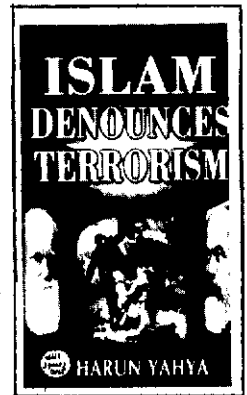
این بازنمایی منفی این برداشت را موجب می‌شود که همهٔ مسلمانان بنیادگرا و از این رو تروریست‌های بی‌منطقی هستند که می‌خواهند هر چیز غیر اسلامی را از بین ببرند. بیشتر اوقات این بازنمایی منفی با ارائهٔ یک تصویر متقابل مثبت جبران نمی‌شود و می‌توان پیش‌بینی کرد که پیامد این مساله برای روابط اقلیت قومی در این کشور بسیار نگران‌کننده است. بسیاری از جمعیت ۲۸۱/۵۷۸ نفری مسلمانان استرالیا که براساس سرشماری سال ۲۰۰۱، ۱/۵٪ کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، معتقدند که این سوگیری رسانه‌ای باعث می‌شود که در جامعه و به ویژه در محل کار دربارهٔ آن‌ها بدگویی شود. ارقام ادارهٔ آمار استرالیا ظاهراً این ادعا را تایید می‌کند: در سال ۱۹۹۶ میزان بیکاری مسلمانان استرالیا ۲۵٪ بود حال آن‌که این رقم برای کل جمعیت این کشور تنها ۹٪ بود. در سال ۲۰۰۱ (در مقایسه با میزان ۶/۸٪ بیکاری جمعیت کل کشور) این رقم به ۱۸/۵٪ کاهش یافت ولی نسبت مسلمانانی که در بازار کار شغل ممتازی نداشتند، هم‌چنان تقریباً سه برابر بیشتر از جمعیت کلی کشور بود.

تأثیرات این تصورات نادرست بر مسلمانان میانه‌رو به جز زبان‌های اجتماعی و اقتصادی که چنین تبعیضی ناگزیر به بار می‌آورد، سرخوردگی، خشم و اندوه است. اظهارات مسلمانان

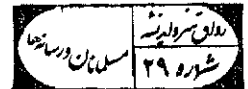
استرالیایی که برای مقاصد این تحقیق با آن‌ها مصاحبه شد به روشنی این مساله را نشان می‌دهد: پس از یازدهم سپتامبر، رسانه‌ها زنان مسلمان فلسطینی را نشان می‌دادند که زوسری به سر داشتند و از وقوع این حوادث خوشحال بودند و داشتند می‌خندیدند. آن‌ها می‌خواستند نشان بدهند که مسلمانان از اتفاقی که برای آمریکایی‌ها افتاده بود، خوشحال بودند. من از این کار آن‌ها خوشم نیامد. در واقع، قضیه اصلاً این طور نبود. من شنیدم که این تصاویر به حوادث یازدهم سپتامبر هیچ ربطی نداشتند. آن زنان به دلیل دیگری خوشحال بودند ولی آن‌ها تصاویر را در آن زمان نشان دادند تا مسلمانان را خوار کنند. می‌خواستند بگویند مسلمانان خیلی پست هستند. می‌خواستند بگویند هزاران نفر در آمریکا کشته شده‌اند و ما خوشحال هستیم. نه اصلاً این طور نبود.

از زمان حوادث یازده سپتامبر، تمرکز رسانه‌ها بر اسلام و مسلمانان به شدت افزایش یافته است. حتی پیش از فاجعه یازده سپتامبر نیز استفاده از برجسب «آن دیگری» مذهبی یا فرهنگی در تیتراها و دیگر تصاویر رسانه‌ای رایج بود ولی از آن زمان به بعد پیوسته از این برجسب استفاده شده است. همان‌گونه که آخرین اظهارنظر نشان می‌دهد، با استفاده از تصاویر نامرتبط، به سادگی می‌توان از ترس مردم از تروریسم بهره‌برداری کرد و خوانندگان را سر در گم ساخت و به آن‌ها القا کرد که همه مسلمانان فعالیت‌های تروریستی را تایید می‌کنند. این رسانه‌ها با قراردادن تصاویر منتشرشده در زمینه‌ای نادرست، خوانندگان را ترغیب کردند تا خودشان به نتایجی (اشتباه) برسند. اضطرابی که این تمرکز رسانه‌ای در بین مردم دامن می‌زند به تداوم حمایت آن‌ها از سیاست‌های دولت در بازداشت قانونی، شناسایی و اقدامات نظامی دولت هم‌چون جنگ عراق کمک می‌کند.

این مقاله بر اظهارات شفاهی مسلمانانی با پیشینه‌های قومی گوناگون مبتنی است. مولف از سال ۱۹۹۸ به عنوان بخشی از فعالیت‌های پژوهشی دوره دکترا و فوق‌دکترای خود درباره مسلمانان استرالیا، ۱۳۰ مصاحبه رو در رو، عمقی و ضبط‌شده را با مسلمانان زن و مرد ۱۸ تا ۹۰ ساله اجرا کرد. چندین مصاحبه‌شونده به هنگام صحبت کردن درباره تجربیات اقامت خود در



1. Mandatory Detention



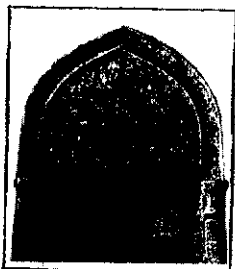
استرالیا، بی آن که از آن‌ها خواسته شود، مطالبی دربارهٔ رسانه‌های غربی / استرالیایی بیان کردند که در کلیهٔ آن‌ها بر این نکته تأکید می‌شد که مسلمانان خبیث جلوه داده می‌شوند.

از این رو، مولف به بررسی چند روزنامهٔ قطع بزرگ، به ویژه روزنامهٔ سراسری استرالین<sup>۲</sup> و روزنامهٔ ایالتی وست استرالین<sup>۳</sup> پرداخت که در فاصلهٔ زمانی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ منتشر شده بودند. مولف دریافت که برخی رسانه‌های چاپی، خبرهای مربوط به مسلمانان را با تیتروهای تحریک‌آمیز گزارش می‌کنند که غالباً با تصاویری همراه هستند که اسلام را دینی خشن نشان می‌دهند.

### بازنمایی مسلمانان، پیش و پس از یازده سپتامبر

رسانه‌ها حتی پیش از فاجعهٔ یازده سپتامبر مسلمانان را انسان‌هایی بی‌تمدن<sup>۴</sup> به تصویر می‌کشیدند. برای نمونه وقتی در اوایل سال ۲۰۰۱ تیتروهای خبری هم‌چون «ختنه؛ اسلام بر مسیحیان تحمیل می‌شود» به همراه تصاویری از یک منطقهٔ مسیحی‌نشین ویران‌شده و یک کلیسا منتشر شدند، این برداشت فوری را در خواننده باعث شدند که در برخی مناطق اندونزی جنگ فرقه‌ای در جریان است. این تیتر تلویحاً بیان می‌کرد که اسلام به نابودی مسیحیت (که با نماد کلیسا به تصویر کشیده شده بود) خواهد انجامید و دربارهٔ یک دین و انگیزه‌های کسانی که به آن التزام دارند به کلی‌بافی پرداخته بود.

این ادعا با واقعیت نیز در تناقض بود. در گزارشی که ذیل این تیتر خاص منتشر شده بود ادعا می‌شد که روحانیان مسلمان منطقه، صدها مسیحی از جمله زنان باردار و نوزادان دختر را به زور ختنه کرده‌اند. رهبران میانه‌روی مسلمان هرگونه تلاش برای تغییر مذهب اجباری را تکذیب کردند و پناهندگان اردوگاه کِسوی<sup>۵</sup> بعدها به اعضای گروه تحقیق فرماندار گفتند که به تغییر دین خود مجبور نشده بودند. پس چرا ژورنالیست‌ها این ادعا را به عنوان واقعیت، گزارش و رسانه‌ها آن را منتشر کردند؟ هنگامی که جنگ فرقه‌ای بین مسیحیان و مسلمانان در جزایر مالاکو<sup>۶</sup> در جریان بود، رسانه‌های چاپی استرالیا جانب مسیحیان را گرفتند و بی‌آن که تحقیقات بیشتری انجام



2. The Australian
3. The West Australian
4. Savage
5. Kesui
6. Malaku Islands

دهند، این حادثه را گزارش کردند. در این گزارشگری و نشر گزینشی هم‌چنین تصریح نمی‌شود که ختنه زنان یک بُعد فرهنگی و تاریخی و نه مذهبی دارد. نیکی مارشال<sup>۷</sup> کارمند اداره توسعه اجتماعی مرکز مهاجرت کلیساهای جهانی<sup>۸</sup> در استرالیا می‌گوید که ختنه زنان سابقه‌ای چند هزار ساله دارد ولی در ذهن بسیاری از مردم، ناخودآگاه با اسلام تداعی می‌شود. در واقع این سنت پیش از اسلام و مسیحیت رایج بوده است و در چند کشور اسلامی مانند عربستان سعودی زنان ختنه نمی‌شوند.

الف حسن آقا<sup>۹</sup> معتقد است یک دلیل این بی‌اطلاعی فراگیر درباره اسلام این است که گزارشگرانی برای پوشش خبرهای جهان اسلام (و به ویژه هرگونه حادثه منفی مربوط به مسلمانان) مأمور می‌شوند که اطلاعات بسیار اندکی درباره اسلام دارند. این گزارشگران که از تاریخ و معنای اسلام هیچ‌گونه اطلاعاتی ندارند، تصویری تحریف‌شده ارائه می‌کنند که فرهنگ غربی آن را به عنوان حقیقت ادراک می‌کند.

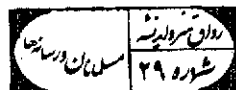
بازنمایی رسانه‌های مسلمانان به عنوان انسان‌هایی وحشی به ویژه پس از حملات یازده سپتامبر شایع بوده است. در این نوع گزارش‌های رسانه‌ای هیچ اشاره‌ای به این مساله نشد که در این حملات تروریستی چندین مسلمان نیز کشته شدند یا این که تروریسم در دین اسلام جایی ندارد و اکثریت قاطع مسلمانان صلح‌دوست و میانه‌رو آن را محکوم می‌کنند.

تیرت صفحه نخست روزنامه وست استرالین در ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۱ با نام «خیر در برابر شر» با دور کردن هرچه بیشتر غرب از «آن دیگری» عملاً جهان را به «غرب متمدن خیر» و «مسلمانان شر» تقسیم کرد. این مضمون را تصاویر تقویت کردند. سال بعد، پس از بمب‌گذاری‌های سال ۲۰۰۲ در بالی، مدرسه و خانه امام جماعت مسجد روتی هیل<sup>۱۰</sup> در نیوساوت ولز<sup>۱۱</sup> و مسجد ایست دانکستر<sup>۱۲</sup> در ویکتوریا به ترتیب در ۱۵ و ۱۷ اکتبر ۲۰۰۲ تخریب شدند. این حملات تخریب‌گرانه به خانه‌ها و عبادت‌گاه‌های مسلمانان به عنوان خبرهای مهم گزارش نشدند و می‌توان گفت علتش این است که رسانه‌ها خشونت علیه مسلمانان را از اقدامات خشونت‌آمیزی که یک مسلمان مرتکب می‌شود کم‌اهمیت‌تر یا حتی انتقام‌جویی موجه تلقی می‌کنند.

### زنان باحجاب: هدفی آسان

تنها مسلمانان تصور نمی‌کنند که رسانه‌ها علیه اسلام سوگیری دارند. بعضی محققان غربی نیز عنوان کرده‌اند که ظاهراً رسانه‌ها اصرار دارند تصویری منفی از مسلمانان و اسلام ارائه کنند. هوارد بریستد<sup>۱۳</sup> در پژوهش خود درباره بازنمایی مسلمانان از طریق تصاویر از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰، مشاهده کرد که با نمایش تصاویری از مساجد، ملاهای ریشو، جماعت مسلمانان و زنان باحجاب

7. Nicki Marshall
8. Ecumenical Migration Centre
9. Olfat Hassan Agha
10. Rooty Hill
11. New South Wales
12. East Dancaster
13. Howard V. Brasted



که همگی بر بی‌منطقی، تعصب، کوتاه‌فکری، نابردباری و تبعیض در مقیاسی تقریباً قرون وسطایی دلالت داشته‌اند، اسلام در رسانه‌ها به صورتی ناعادلانه و گاه مسخره منعکس شده است.

این روند پس از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ ادامه یافت ولی این معنی ضمنی به آن افزوده شد که اسلام با تروریسم برابر است. در صفحه اخبار «جنگ یا تروریسم» روزنامه وست استرالین، تصاویری از اسامه بن لادن و زنان با حجاب به چاپ رسید و هرچند مطبوعات در گزارش‌های خود با زنان احساس همدردی می‌کردند، این تصاویر به گونه‌ای نامناسب به خبرهای دیگری ارتباط داده شده بود که در خوانندگان این استنباط را به وجود می‌آورد که ذات مسلمانان<sup>۱۴</sup> خشونت است. هم‌چنین بر روی جلد مجله *ویکنند استرالین*<sup>۱۵</sup> تصویری از یک بمب‌گذار انتحاری زن فلسطینی به چاپ رسید که در یک دستش یک اسلحه کلاشنیکف بود و در دست دیگرش دخترچینه سه‌ساله‌اش که او نیز یک گلوله خمپاره در دست داشت. هر دوی آن‌ها پیشانی‌بندهای فداییان حماس را به پیشانی بسته بودند که شهادتین<sup>۱۶</sup> بر روی آن‌ها نقش بسته بود و در کنار این تصویر نوشته شده بود:

به نظر برادر می‌آمد و جز آن کاملاً طبیعی بود. به من نگاه کرد لبخند زد... و سپس منفجر شد.

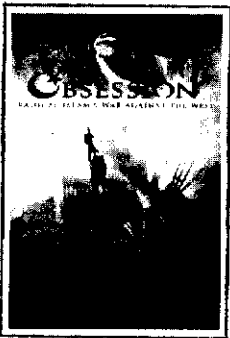
در زیر تصویر این جمله دیده می‌شد:

چگونه مادری جوان، بمب‌گذار انتحاری می‌شود. (عکس در صفحه بعد)

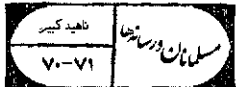
این تصویر بر روی جلد مجله سراسری استرالیا تلویحا یک زن مسلمان با حجاب را که یک زندگی خانوادگی عادی دارد با تروریسم پیوند می‌دهد. یکی از کسانی که در این تحقیق با وی مصاحبه شد، معتقد است که این تصاویر احساس بر حق بودن را در کسانی تقویت می‌کند که به حملات خشونت‌آمیز علیه زنان مسلمان دست می‌زنند. القای این مساله که می‌توان اسلحه و مواد منفجره را زیر حجاب مخفی کرد، این استنباط را در مهاجران تقویت می‌کند که زنان باحجاب احتمالاً دشمن کشور و بنا بر این سزاوار انتقام‌جویی هستند.

این روند تلاعی کردن زنان باحجاب با تروریسم به مطبوعات عامه‌پسند محدود نمی‌شود و حتی در مجلات دانشگاهی نیز دیده می‌شود. در سال ۲۰۰۵، یک دانشجوی پزشکی که حجاب به سر داشت گفت:

در نشریه دانشکده محل تحصیل من عکسی از من را در زمینه تصویری از برج‌های دو قلو به چاپ رساندند. برج‌ها در آتش می‌سوختند و عکس من در زمینه قرار داشت که به گمانم بمب یا چیزی شبیه به آن در دست داشتم. در زیر این تصویر مطلبی با این مضمون نوشته شده بود: «من می‌خواهم کودکان شما را بخورم...»



- 14. Muslimness
- 15. Weekend Australian
- 16. Kalima



THE WEEKEND AUSTRALIAN

# MAGAZINE

November 13-14, 2004

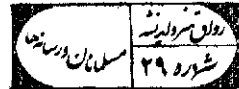
“She looked pregnant,  
otherwise  
she was  
completely  
normal.  
She looked  
at me. She smiled ...  
and then she exploded”



The young model by Michael Ochs

انگیزه این تداعی کردن‌ها در رسالهٔ *شرق‌شناسی*<sup>۱۷</sup> ادوارد سعید<sup>۱۸</sup> تبیین شده است. سعید استدلال می‌کند که غرب با استفاده از یک مفهوم قیاسی از شرق می‌تواند تصویری از هویت خود بسازد؛ یعنی این که غرب نگاتیو شرقی‌هاست و از هر آن چه «آن دیگری» انجام نمی‌دهد، تشکیل می‌شود. به این تعبیر، شرق‌شناسی در برگرفتهٔ یک تضاد دوتایی است که غرب را محور اندیشهٔ مدرن روشنگرانه و شرق را «آن دیگری» مرموز و اغلب خطرناک اعلام می‌کند. هم‌چون هر تضادی، این تضاد دوتایی نیز بر مجموعه‌ای از سازه‌های فرهنگی مبتنی است که در این مثال

17. Orientalism  
18. Edward Said



می‌توان آن‌ها را به عنوان ماهیت‌گرایی زیست‌شناختی<sup>19</sup> و نیز تعصبات نژادی، مذهبی و فرهنگی درک کرد.

از این رو، غرب با به تصویر کشیدن یک زن باحجاب می‌کوشد جایگاه زن را در جامعه اسلامی بنا کند؛ جایگاهی که عقب‌مانده، زیر دست و کاملاً مغایر با آن نوع برابری و حقوقی است که زنان غربی توانستند در قرن بیستم بدان‌ها دست یابند. پیام‌هایی که از این تصاویر نشأت می‌گیرند، روشن هستند: هم‌نویسی، سرکوب، سرسپردگی و کنترل. ولی آن‌چه در کلیه این موارد اشاره‌ای به آن نمی‌شود، زمینه است. هرچند حجاب نشانه فضیلت و نه انقیاد یا بدتر از آن تهدید است، این تمایز به ندرت در مطبوعات مورد تصریح قرار می‌گیرد.

### مردان مسلمان و جنگ‌افزار

چاپ تصاویری از دشمن که برای اهداف ملی‌گرایانه از اسلام استفاده می‌کند قابل درک است؛ هم‌چون اسامه بن لادن یا اسلحه در کنارش، شورشیان عراقی در حال سجده با اسلحه‌هایی که در مقابلشان قرار دارد یا یک بمب‌گذار انتحاری فلسطینی که بر اسلحه بوسه می‌زند. ولی همان دامن تصاویری از متحدها مسلمان در حالی که دارند نماز می‌خوانند و در مقابلشان اسلحه قرار دارد، خواننده را سردرگم می‌سازد و وی نمی‌تواند بین دوست و دشمن تمایز قائل شود. برای نمونه از اعضای ائتلاف شمال افغانستان که متحد آمریکا محسوب می‌شدند در حالی عکس گرفته شده بود که در ماه مبارک رمضان مشغول نماز خواندن بودند و در مقابلشان اسلحه قرار داشت. این هم‌نشینی ساختن سنت مذهبی نماز خواندن و جنگ‌افزار تلاشی آشکار است برای بیان تلویحی این نکته که بین دین اسلام و خشونت مسلحانه رابطه وجود دارد. اکثریت خوانندگان/بینندگان خبرها، که شناخت محدودی از اسلام دارند یا اصلاً این دین را نمی‌شناسند، مستعد پذیرش باورهای نادرستی هستند که این تصاویر رسانه‌ای به وجود می‌آورند. با توجه به ماهیت پرمشغله بسیاری از سبک‌های زندگی معاصر، ارائه خبرها به صورت قطعات قابل فهم و به راحتی قابل هضم در تقابل با تحلیل‌های جامع، رواج بیشتری یافته است. بسیاری از کاربران رسانه‌ها فرصت یا تمایل چندانی به تحقیق بیشتر درباره خبرها ندارند.

بحران گروگان‌گیری در عراق ابزار دیگری را برای سوء تعبیر باورهای اسلامی فراهم می‌آورد، زیرا رسانه‌ها تصاویری را منتشر می‌کنند که جنگ‌جویان در سایت‌های اینترنتی گوناگون قرار می‌دهند. این افراطیون پیش از ارتکاب جنایات فجیع به نام اسلام، معمولاً گروگان‌های چشم‌پسته را در حالی که عبارات نخستین رکن اسلام یعنی شهادتین به عربی به صورت لا اله الا الله، محمد رسول الله در پشت سرشان نوشته شده است، بر زمین می‌نشانند. شهادتین یعنی این‌که شهادت می‌دهم (تصدیق می‌کنم) که خدایی جز خدای واحد وجود ندارد و شهادت می‌دهم که محمد(ص) پیامبر خداست. هر چند این قساوت با تعالیم اسلامی سازگار نیست، به دفعات بی‌هیچ

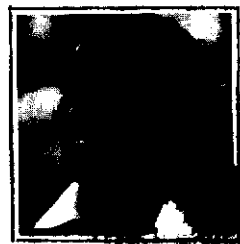


توضیحی نشان داده می‌شوند. بنابراین، خوانندگان و بینندگان می‌توانند به طرز منطقی تصور کنند که این تروریسم بخشی از اسلام است. باز هم آن‌ها، که زبان عربی را اصلاً نمی‌فهمند، ممکن است برداشت مورد نظر را دربارهٔ باورهای اسلامی که با هرج و مرج و خشونت در هم آمیخته شده است، خیلی راحت جذب کنند.

روزنامه استرلین نمونه خوبی برای بهره‌برداری از بی‌خبری مردم از اعتقادات مسلمانان است. این روزنامه مرتباً چنین تصاویری منتشر می‌کند که این اعتقاد را در خوانندگان تقویت می‌کند که اسلام دشمن غرب است. در یک نمونه از انتشار چنین تصاویری، این روزنامه عکسی از شبه‌نظامیان روپوشیدهٔ مقتدی صدر، رهبر شیعی عراق منتشر کرد که در مقابل مسجدی ایستاده بودند و آیاتی از قرآن بر روی آن نوشته شده بود. در یک دست این شبه‌نظامیان، مسلسل و در دست دیگرشان کلاه‌خود یک سرباز آمریکایی قرار داشت. زیر این گزارش و تصویر مبارزان اسلام‌گرا این تیتر به چشم می‌خورد:

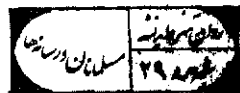
نویسندهٔ مشهور، شعله‌های ضدیت با اسلام را بر می‌افزود.

نویسندهٔ مشهور اشاره به کتاب *خشم و غرور*<sup>20</sup> نوشتهٔ *اوربانا فالاجی*<sup>21</sup> نویسندهٔ ایتالیایی اشاره داشت که تعصب ضد اسلامی نویسنده در لفاظی‌های گزندهٔ آن کاملاً آشکار است. این کتاب که نخستین بار به صورت سلسله‌مقالاتی در روزنامهٔ برجستهٔ ایتالیا، *کوریریه دلا سیرا*<sup>22</sup> منتشر شد، ظرف چند ساعت پس از انتشار به صورت کتاب، نیم میلیون نسخه فروش داشت. این کتاب ترس از بیگانگان را در کشوری نشان می‌دهد که در چند ده سال گذشته مهاجرت‌های دسته‌جمعی را شاهد بوده است و مسلمانان دومین گروه بزرگ مذهبی را در این کشور تشکیل می‌دهند. خواننده با خواندن نخستین گزارش و تماشای تصویر یک مبارز مسلمان ممکن است به این نتیجه برسد که فالاجی از شهرت قابل توجهی برخوردار است، هر چند موضع ضد اسلامی وی بسیار مورد انتقاد واقع شده است. دفاعیهٔ وی از نوشته‌هایش با نام *دربارهٔ نفرت از یهود در اروپا* در ۱۷ آوریل ۲۰۰۲ در مجلهٔ پانورامای ایتالیا منتشر شد. فالاجی در این فحش‌نامه، یهودستیزی اروپایی‌ها را



آبن سببی علی

20. La Rabbia e l'Orgoglio  
21. Oriana Fallaci  
22. Corriere della Sera



علت هرگونه حمایت از فلسطینی‌ها قلمداد می‌کند که آن‌ها را *اراذلی با عمامه یا چفیه* توصیف می‌کند.

### بدگویی از اسلام و مسلمانان

روزنامه وست استرالین در ژوئن ۲۰۰۲ عکسی از یک دیوارکوب<sup>۲۳</sup> قرن پانزدهم را چاپ کرد که حضرت محمد (ص) را در حال شکنجه شدن نشان می‌داد. این عکس به همراه گزارشی منتشر شد دال بر این که تروریست‌های اسلام‌گرای مرتبط با القاعده در نظر دارند کلیسای جامع قرن پانزدهمی *بولونا*<sup>۲۴</sup> را تخریب کنند؛ زیرا در این کلیسا یک نقاشی دیواری از دوره قرون وسطا وجود دارد که حضرت محمد ص را در دوزخ به تصویر می‌کشد.

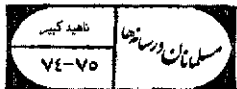
انتشار این دو تصویر به نظر بعضی مسلمانان بسیار توهین‌آمیز بود و اعتراض یکی از رهبران اسلامی را باعث شد که معتقد بود انتشار این عکس به همراه آن گزارش، آسیب، اضطراب و خشم شدیدی را در جامعه مسلمانان غرب استرالیا موجب شده است و این که مطبوعات باید به حساسیت‌های مذهبی احترام بگذارند. انتشار چنین تصاویری ممکن است بار دیگر به تفرقه و نفرتی دامن بزند که در طول جنگ‌های صلیبی وجود داشته است.

دو سال بعد مطبوعات تصویری از یک زن را به چاپ رساندند که آیاتی از قرآن مجید بر روی کمرش نوشته شده بود. این تصویر از فیلمی هلندی ساخته *تتو ون گوگ*<sup>۲۵</sup> به نام *تسلیم برداشته شده بود*؛ این فیلم آیات قرآن مجید را بر روی بدن زنی نشان می‌داد که لباس بلند بدن‌نما به تن داشت و از آزارهایی سخن می‌گفت که زیر لوای اسلام متحمل شده بود. ون گوگ منتقد اسلام و حامی یکی از اعضای پارلمان هلند، زنی به نام *آریان هرسی علی*<sup>۲۶</sup> بود که در ابتدا یک پناهجوی سومالیایی بود. وی مدافع کاهش مهاجرت خارجی‌ها به هلند به ویژه مهاجرت مسلمانان به این کشور بود. برای ون گوگ و هرسی علی که فیلم‌نامه این فیلم را نوشته و آن را تهیه کرده بودند فتوای اعدام صادر شد؛ زیرا این فیلم اسلام را به عنوان یک فرقه قرون وسطایی و زن‌ستیز که انتقاد از خود را برنمی‌تابد و بر روی علوم چشم بسته است، مورد حمله قرار داده بود.



تتو ون گوگ

- 23. Wall hanging
- 24. Bologna
- 25. Theo Van Gogh
- 26. Ayaan Hirsi Ali



در چهارم نوامبر سال ۲۰۰۴، مطبوعات از کشته شدن ون گوگ به دست یک مرد بیست و چهار ساله اهل آمستردام خبر دادند که تابعیت دوگانه هلندی و مغربی داشت. روزنامه وست استرالین دیدگاه‌های مردم را درباره این فاجعه منتشر کرد، از جمله دیدگاهی که در آن اسلام و مسلمانان به سبب اقدام شریانه یک افراطی اسلام‌گرا محکوم شده بودند. هم‌چنین مسلمانان به سبب آن که همه آن‌ها مسئولیت حوادث یازده سپتامبر و بخش اعظم فعالیت‌های تروریستی فعلی در سطح جهان را نمی‌پذیرند، مورد انتقاد قرار گرفتند. هر چند این نامه نشانگر دیدگاه همه خوانندگان نیست، کاملاً نشان می‌دهد که چگونه در واکنش به برخی مقالات و عکس‌ها می‌توان همگی اعضای یک گروه مذهبی را به سبب اقدام یک ستیزه‌جو ملامت کرد؛ خواه چنین مقالاتی به تصبات تازه دامن بزنند یا تصبات فعلی را تقویت کنند، عده‌ای ممکن است آن‌ها را تاییدی بر نابردباری نژادی و مذهبی تعبیر کنند.

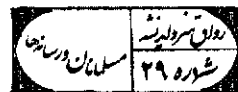
### مسلمانان و سوگیری رسانه‌ها

مطبوعات اغلب به ارائه تصویری کلیشه‌ای از اقلیت‌ها متهم می‌شوند ولی حتی وقتی آن‌ها چنین می‌کنند، معمولاً از اشاره به مذهب این گروه‌ها خودداری می‌کنند. اندرو مارکوس<sup>۲۷</sup> استدلال می‌کند که هر گروهی به فرهنگ خودش اولویت می‌دهد از این رو رسانه‌ها کمتر از فرهنگ خودشان انتقاد می‌کنند. برای نمونه هر چند بعضی مهاجران انگلیسی گلیه دارند که مطبوعات آن‌ها را *آدم‌های انگلیسی*<sup>۲۸</sup> می‌نامند، مذهب آن‌ها مورد اشاره قرار نمی‌گیرد. گرچه رسانه‌ها، جنوب غربی سیدنی را *خانه جرائم لبنانی‌ها/مسلمانان* می‌نامند، به صورتی گزینشی دیگر جرایمی را که دار و دسته‌های جامعه بزرگ‌تر مرتکب می‌شوند به نژاد یا مذهب آن‌ها ارتباط نمی‌دهند. در یک مورد از این دست، روزنامه وست استرالین در صفحه جلد خود گزارشی را از تهیه و بخش تصاویر مستهجن از کودکان با تیترا *جامعه بیمار ما منتشر کرد*. این رفتار ناپهناجار در صفحه نامه‌های این روزنامه، در یک دوره زمانی بسیار کوتاه، محکوم شد و البته به مذهب عاملان آن هیچ اشاره‌ای نشد. حتی اگر مذهب عاملان این رفتار ناپهناجار نیز مورد اشاره قرار



27. Andrew Markus

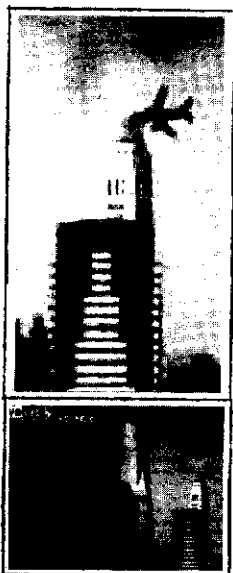
۲۸. در انگلیسی استرالیایی به تحقیر به انگلیسی‌ها Poms گفته می‌شود.



می‌گرفت، به هیچ وجه به خوانندگان القا نمی‌شد که جرائم آن‌ها به مذهبشان ارتباط دارد؛ برای نمونه وقتی گزارش تعرض جنسی به کودکان توسط یک یا چند کشیش کاتولیک منتشر می‌شود، هرگز دلالت بر آن ندارد که میل جنسی به کودکان در آیین کاتولیکها پذیرفتنی یا رایج است. همچنین، وقتی در ایالات متحده، مسیحیان بنیادگرا، به ویژه به نام مسیحیت، جرایم خشونت‌آمیزی علیه دیگران مرتکب می‌شوند (برای نمونه بمب‌گذاری در کلینیک‌های تنظیم خانواده) از خود دین مسیحیت به هیچ وجه بدگویی نمی‌شود. در قضیه بمب‌گذاری در ساختمان ادوارد مور<sup>۲۹</sup> در آکلاهما، که به کشته شدن ۱۶۸ تن انجامید، عامل این بمب‌گذاری یعنی تیموتی مک‌وی<sup>۳۰</sup> هم مسیحی بود و هم آمریکایی ولی در نخستین گزارش‌های رسانه‌ها، افراطی‌های مسلمان لیبیایی مسئول این بمب‌گذاری دانسته شدند ولی وقتی حقیقت آشکار شد، به او صرفاً به عنوان تیموتی مک‌وی اشاره شد، نه تیموتی مک‌وی مسیحی یا تیموتی مک‌وی آمریکایی. او را یک فرد، تلقی و جرمش را تنها مختص خودش قلمداد کردند. حتی وقتی وابستگی مک‌وی به یک جنبش ستیزه‌جوی مبتنی بر مسیحیت علنی شد، مذهب یا ملیت وی در ابتدای نامش آورده نشد.

این انتقاد گزینشی، ویژگی رسانه‌های همگانی است. در سال ۲۰۰۲، *داتیل نالیا*<sup>۳۱</sup> نامزد مجلس سنا از حزب سیاسی *Family First* و کشیش منصوب مجامع خداوند<sup>۳۲</sup> از هواداران خود خواست پایگاه‌های *تسپان* را در محل زندگی خود شناسایی کنند. او فاحشه‌خانه‌ها، قمارخانه‌ها، مشروب‌فروشی‌ها، مسجد، معابد و مراکز جادوگری را از جمله این پایگاه‌ها برشمرد. روزنامه استرالین در گزارشی کوتاه اعلام کرد که دادگاه مدنی و اداری ایالت ویکتوریا آقای نالیا را به سبب بدنام کردن مسلمانان و نقض قانون تبعیض نژادی ایالت ویکتوریا مجرم شناخته است. ولی استلزامات گسترده‌تر ادعای نالیا مبنی بر این که عبادتگاه‌های مذهبی معادل معنوی فاحشه‌خانه‌ها و غیره هستند، مورد انتقاد قرار نگرفت.

در جریان رسوایی‌های *ابوغریب* که سربازان آمریکایی با بی‌رحمی زندانیان عراقی را شکنجه



29. Edward Murrah  
30. Timothy McVeigh  
31. Daniel Nalliah  
32. Assemblies of God

کردند، گزارش‌ها و تیتروهای مطبوعات حاکی از آن بود که این ماجرا در مقایسه با تصاویر و گزارش‌های مربوط به دشمن که در همان صفحه منتشر شدند، از اهمیت کمتری برخوردار است. گزارشی درباره نظامی آمریکایی، سرباز کیندی/ینگلند،<sup>۳۳</sup> او را در حالی نشان می‌داد که شلاق را به دور گردن یک زندانی برهنه عراقی پیچانده است. در همان صفحه، گزارش‌هایی نیز درباره مقتدی صدر روحانی تندروی شیعه منتشر شد که به نمازگزاران گفته بود می‌توانند هر سرباز زن انگلیسی را به عنوان برده تصاحب کنند و نیز گزارشی درباره یک نوار ضبط‌شده بیست دقیقه‌ای که به نظر می‌آمد پیام بن لادن باشد و پر از آیات قرآنی؛ در این نوار برای کشتن مقامات آمریکایی و سازمان ملل متحد یا شهروندان هر کشوری که نیروهایش در عراق می‌جنگند، جایزه تعیین شده بود.

قرار گرفتن این گزارش‌های خبری در یک صفحه بر این دلالت داشت که هر چند آزار و اذیت زندانیان در ابوغریب ظالمانه است، اقدامات مسلمانان علیه غرب ظالمانه‌تر هستند. در واقع اقدامات سرباز اینگلند در زمینه انتقام‌جویی به سبب اعمال تروریستی به نمایش در آمدند که گرچه در سطحی وسیع محکوم شدند، ولی با توجه به مسأله روش‌های تروریستی مسلمانان، به‌حق بودند.

تصادفی نیست که خوانندگان می‌توانند از نحوه ارائه گزارش‌ها در روزنامه‌ها تداعی‌های خاصی را استنباط کنند. روان‌شناسی ادراک و این‌که چگونه یا تنظیم اقلام بصری و اندازه نسبی مقالات مطبوعاتی می‌توان به شکلی کاملاً موثر عقایدی را به مخاطبان منتقل کرد، ترفندهایی هستند که رسانه‌ها به خوبی آن‌ها را می‌شناسند. وقتی گزارشی درباره تجاوزگران جنسی (بومی استرالیا و مسلمان) یا گزارشی درباره پاسبان ماه‌سوکار،<sup>۳۴</sup> نخستین مامور پلیس ایالت ویکتوریا که حجاب سنتی مسلمانان (روسری) را به عنوان بخشی از یونیفرم خود پوشید، با هم منتشر می‌شوند، خوانندگان ترغیب می‌شوند که تصور کنند تفاوت‌ها در پوشش و لباس «آن دیگری» ممکن است مظهر پدیده‌ای بالقوه تهدیدآمیزتر باشد؛ یعنی وجود یک گروه جنایتکار نژادی یا مذهبی دیگر در



33. Private Lyndie England  
34. Maha Sukkar

استرالیا؛

### آیا تعصب رسانه‌های موجه است؟

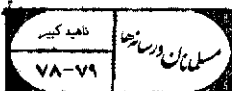
حال این پرسش مطرح می‌شود چرا رسانه‌ها مشخصاً مسلمانان یا دین آن‌ها را از طریق تیتورها، تصاویر و تفاسیر هدف قرار می‌دهند؟ از اواخر دهه ۱۹۷۰ و با وقوع انقلاب سال ۱۹۷۹ در ایران، جهان اسلام خبرساز بوده است. در این سال **آیت‌الله خمینی**، آمریکا را **شیطان بزرگ** توصیف کرد. در پی انقلاب ایران رویدادهای زیر به وقوع پیوستند:

بحران گروگان‌گیری در ایران از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱ که در جریان آن دانشجویان ایرانی ۵۱ گروگان آمریکایی را در سفارت آمریکا در تهران زندانی کردند؛ اشغال مسجدالحرام در مکه در سال ۱۹۷۹؛ بمب‌گذاری لاکربی در سال ۱۹۸۸؛ فتوای آیت‌الله خمینی دربارهٔ **سلمان رشدی** در سال ۱۹۸۹؛ اشغال کویت به دست نیروهای صدام حسین در سال ۱۹۹۰ که با جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ دنبال شد و ظهور شبکهٔ تروریستی القاعده، طالبان و جماعت اسلامی. هر چند این رویدادهای مجزا برای آمریکا و متحدانش فاجعه‌بار بودند، به شیوه‌ای گزارش شدند که در مخاطب این برداشت به وجود می‌آمد که تهدید روزافزون، از جانب یک دشمن مشترک یعنی اسلام است.

حوادث دیگری که افراطیون اسلام‌گرا در آن نقش داشتند این برداشت را تقویت کرد. بمب‌گذاری در مرکز تجارت جهانی در سال ۱۹۹۳، بمب‌گذاری در برج‌های **البحر** در عربستان سعودی در سال ۱۹۹۶، بمب‌گذاری در سفارت آمریکا در سومالی در سال ۱۹۹۸، حمله به ناو **یواس‌اس کول** در سال ۲۰۰۰، تخریب مجسمه بودا توسط طالبان و دستگیری هشت امدادگر (از جمله دو استرالیایی) در سال ۲۰۰۱، حمله به برج‌های دو قلو در یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و سرانجام فاجعهٔ یالی اندونزی در سال ۲۰۰۲. خبرهای بحران گروگان‌گیری در مسکو و حکم سنگسار یک زن نیجریه‌ای به نام **امینه لوال**<sup>۳۵</sup> در سال ۲۰۰۲ از جمله دیگر گزارش‌های خبری فاجعه‌بار از جهان اسلام بودند. از سال ۲۰۰۱، اعضای متناسب به گروه جماعت اسلامی نیز چند بار منافع

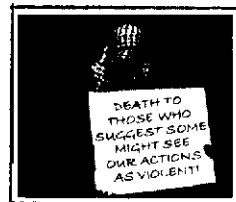


35. Amina Laval

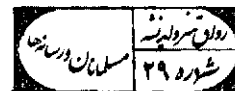


استرالیا را مورد حمله قرار داده‌اند. بمب‌گذاری‌های سال ۲۰۰۳ در استانبول و ریاض، بمب‌گذاری سال ۲۰۰۴ در مادرید، بمب‌گذاری در سفارت استرالیا در جاکارتا و فاجعه گروگان‌گیری بسلان در ایالت چچن و نیز حمله ستیزه‌جویان اسلام‌گرا به کنسولگری آمریکا در جده در ششم دسامبر ۲۰۰۴ مخاطبان/خوانندگان غربی را تحت تأثیر قرار دادند. در نهایت، بمب‌گذاری لندن در هفتم ژوئیه سال ۲۰۰۵ توان تروریسم بومی را نشان داد.

اشغال عراق توسط ایالات متحده به ظهور گروه توحید و جهاد ساخته‌پرداخته ابومصعب زرقاوی منجر شد که تعدادی غیر نظامی را در سال گذشته گردن زد. در اول ماه می سال ۲۰۰۴، تونی میسون<sup>۳۶</sup> یکصد و یکمین قربانی استرالیایی تروریسم از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ گردید. وی که به عنوان مهندس در عربستان سعودی کار می‌کرد در شلیک مردان مسلح به کارگران خارجی در تعطیلات آخر هفته به قتل رسید. چند هفته بعد، مکنوس یوهانسون<sup>۳۷</sup> که مقیم استرالیا و تبعه سوئد بود و به عنوان سرآشپز در عربستان سعودی کار می‌کرد به همراه ۲۱ تن دیگر به دست ستیزه‌جویان اسلام‌گرا کشته شد. در اکتبر سال ۲۰۰۴ و می سال ۲۰۰۵، جان مارتینکوس<sup>۳۸</sup> ژورنالیست استرالیایی و داگلاس وود<sup>۳۹</sup> بازرگان متولد استرالیا به گروگان گرفته شدند و سپس آزاد شدند. همچنین سه نظامی استرالیایی در بمب‌گذاری یک خودرو که یک کاروان نظامیان استرالیایی در بغداد را هدف قرار داده بود، زخمی شدند. گروه توحید و جهاد مسئولیت این حمله را برعهده گرفت. رسانه‌ها به هنگام گزارش رویدادهای جدید این حوادث تروریستی را مورد استفاده قرار داده‌اند. بمب‌گذاری‌های اخیر در بخش‌هایی از سیستم حمل و نقل عمومی لندن آخرین قطعه‌ای خواهد بود که به تصویر بزرگ حملات علیه غرب اضافه خواهد شد. این فرض که همه این حوادث با یکدیگر ارتباط دارند، مورد سوال قرار نمی‌گیرد و این تصویر بزرگ به عنوان یورش بی‌امان به ما (غربی‌ها) توسط آن‌ها (مسلمانان) تعبیر می‌شود. وقتی تیت‌های چون «القاعده با انفجار بمب سربازان ما را هدف قرار داد» مورد استفاده قرار می‌گیرند، کنایه کاملاً مشخص است: این تهدید بیگانه است علیه سنت استرالیایی.



36. Tony Mason  
37. Magnus Johansson  
38. Jahn Martinkus  
39. Douglas Wood



و البته تیتراهایی از این دست این واقیعت را نادیده می‌گیرند که حمله آمریکا/استرالیا به عراق غیرقانونی بود.

### تمرکز بر «آن دیگری»

تردیدی نیست که اقلیت کوچکی از جمعیت ۱/۴ میلیارد نفری مسلمانان، منافع غربی‌ها را به طرز ناخوشایندی مورد حمله قرار می‌دهند و اقدامات این درصد کوچک را باید محکوم کرد ولی مطبوعات با ارائه مداوم تیتراها، مقالات و تصاویری که این دشمن جدید غرب را به خوانندگان یادآور می‌شوند، در واقع این برداشت را تقویت می‌کنند که همگی مسلمانان (از جمله میانه‌روها) سزاوار برچسب دشمن هستند. اندرو پاجت،<sup>۴۰</sup> بئاتریس آلن،<sup>۴۱</sup> جولیان شولتز،<sup>۴۲</sup> مارتین هرست<sup>۴۳</sup> و رابرت شوتتر<sup>۴۴</sup> استدلال می‌کنند که رسانه‌های خصوصی تحت فشارهای مالی قرار دارند و با هدف کسب سود مجبورند بر مسایل خاصی تمرکز کنند که مخاطبان فراوانی داشته باشند و بدین ترتیب نگرانی‌های فعلی را با مهارت کنترل و دستکاری می‌کنند. درست همان گونه که رسانه‌ها در دوره جنگ سرد «آن دیگری» شورویایی را خبیث جلوه می‌دادند، این داور افکار عمومی اکنون به صورتی وسواسی بر «آن دیگری» مسلمان تمرکز می‌کند. توئن فن دیک<sup>۴۵</sup> معتقد است که رسانه‌ها به جای پرداختن به مسایل مهم‌تر و دارای تأثیراتی طولانی‌مدت‌تر، هم‌چون حفظ چشم‌اندازهای بوم‌شناختی که از همگی انواع حیات حمایت می‌کنند، بیش از حد بر رویدادهای فعلی جهانی (هم‌چون جنگ با تروریسم) تاکید می‌کنند. هم‌چنین معرفی یک تهدید خارجی به عنوان بزرگترین مشکلی که جامعه با آن روبه‌روست، آسان‌تر است چون ما با نگاه کردن به خارج از قلمرو کنترل خودمان، مجبور نخواهیم بود علل و عواقب مسایل داخلی یا زیست‌محیطی را به دقت مورد بررسی قرار دهیم.

در این تمرکز محدود، از جذابیت مسائل جدید مهمی بهره‌برداری می‌شود که به نظر می‌رسد علاقه‌مندی جامعه بزرگتر را به خود معطوف می‌سازند. این مساله در اظهارنظر یک استرالیایی عضو جریان غالب این کشور مورد تاکید قرار می‌گیرد:



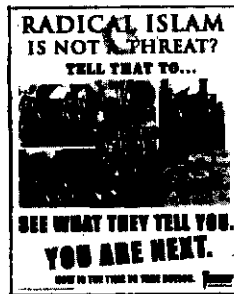
- 40. Andrew Padgett
- 41. Beatrice Allen
- 42. Julianne Schultz
- 43. Martin Hilst
- 44. Robert Schutz
- 45. Tuen Van Dijk



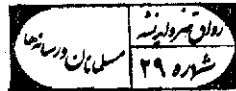
تصور نمی‌کنم که تمرکز مطبوعات بر کمونیسم جای خود را به بنیادگرایی اسلامی داده باشد. به نظر من ما هنوز با مسأله رژیم کمونیستی قدیمی در روسیه و مشکلاتی که آن‌ها برای تبدیل شدن به یک جامعه دموکراتیک سرمایه‌داری متحمل شده‌اند روبه‌رو هستیم و مسأله چین با جمعیت ۱/۴ میلیارد نفری‌اش و این واقعیت که آن‌ها هنوز کمونیست هستند هم‌چنان پابرجاست؛ هر چند آن‌ها اخیراً لیبرال‌تر شده‌اند و بر بنیادگرایان [مسلمان] تأکید بسیار زیادی می‌شود ولی متأسفانه وقتی مسائل ناگوار فراوانی با این مسأله ارتباط پیدا می‌کند، برای نمونه ایران، عراق و افغانستان، سخت می‌توان آن را نادیده گرفت.

قدرت رسانه‌ها در شکل دادن به افکار عمومی مورد پذیرش تحلیلگرانی قرار دارد که خاطرنشان می‌کنند در زمان جنگ مخاطبان در خانه‌های‌شان می‌مانند تا اخبار جنگ را گوش کنند. در خلال جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱، بعضی از مردم آمریکا خود را معتاد به اخبار جنگ توصیف می‌کردند. آن‌ها مدام به پوشش بیست و چهار ساعته اخبار جنگ در شبکه CNN توجه داشتند و میلیون‌ها نسخه روزنامه خریدند. ماهیت اخبار در آن زمان با ماهیت خبرهای جنگ‌های پیشین تفاوت داشت؛ برای نخستین بار، رسانه‌ها جنگ را مستقیماً به اتاق نشیمن مردم سراسر جهان آوردند و آن را به نخستین جنگ به راستی تلویزیونی تبدیل کردند. پوشش رسانه‌های آمریکا با دقت بیشتری توسط پنتاگون در میدان نبرد اداره می‌شد و اداره اطلاعات عمومی این وزارت‌خانه در داخل کشور بسیار موفق بود و به تصویر کشیده شدن دشمن به عنوان فوری‌ترین تهدید برای صلح و ثبات جهان را تضمین کرد.

یک ژورنالیست به نام لینت شریلمان برنر<sup>۴۶</sup> معتقد است زاویه دیدی که ژورنالیست از آن، روند تحول واقعیت‌ها را رصد می‌کند، نحوه ارائه حقیقت را تعیین می‌کند. این حقیقت به نوبه خود تقویت حساب‌شده زاویه دیدی است که تصور می‌شود مخاطب باید به خبرها داشته باشد. کسانی که تصویر ترجیحی جامعه را به چالش می‌کشند یا با آن مقابله می‌کنند به حاشیه رانده می‌شوند یا



46. Lynette Sheridan Burns



مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند.

### ظهور «عدم آزادی»<sup>۴۷</sup>

از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ این تمرکز رسانه‌ای بی‌وقفه بر اسلام یا مسلمانان، یک جامعه تک‌بعدی متأثر از القائات را به وجود آورده است که انتقاد از سیاست خارجی خود را بر نمی‌تابد. رسانه‌ها مستقیماً به مخاطبی متوسل می‌شوند که مایل است خبرهای دشمن جدید را بشنود و توجه به صفحات نامه‌های مربوط به اسلام و مسلمانان در روزنامه‌ها میزان علاقه‌مندی خوانندگان را به این موضوع خبری جدید نشان می‌دهد. بعضی از خوانندگان در حمایت از اقلیت‌ها به روزنامه‌ها نامه می‌نویسند و تلاش می‌کنند به علل ریشه‌ای این مناقشه جهانی بپردازند ولی دیگران به گلایه‌های مسلمانان استرالیا انتقادات زیادی وارد می‌آورند.

بسیاری از نویسندگان هم‌چون *نوام چامسکی*<sup>۴۸</sup> و *فیلیپ نایتلی*<sup>۴۹</sup> رسانه‌ها را به سبب خودداری از زیر سوال بردن موضع دولت و ترس از خوردن برچسب غیر وطن‌پرست<sup>۵۰</sup> مورد انتقاد قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد این عدم آزادی ناگهانی که از طریق رسانه‌ها استمرار می‌یابد در تناقض با آزادی‌ایی باشد که پیش از یازده سپتامبر ۲۰۰۱ رواج داشت. بار دیگر، جهان بین کسانی که خیر هستند یعنی *ائتلاف مشتاقان*<sup>۵۱</sup> و کسانی که شر هستند یعنی محور شر، کسانی که به تروریست‌ها پناه می‌دهند و جز آن‌ها تقسیم می‌شود. ولی مجدداً رسانه‌ها در منجلاب ترویج اخلاقی بردگان فرو رفته‌اند. کسانی که پیش از این صرفاً «آن دیگری» در جامعه بودند، به ناگهان به افراد مظنون به طرفداری از تروریست‌ها تبدیل شدند. بار دیگر گزارشگران رسانه‌ها به تلاش برای تبیین «این دیگری» خوفناک جدید برای مخاطبان‌شان رغبتی ندارند. در دهم سپتامبر ۲۰۰۱، بیان این‌که انگیزه‌هایی برای حمله تروریستی احتمالی به آمریکا وجود دارد، غیر منطقی نبود. این مساله بدیهی فرض می‌شد که برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی و پنتاگون نه تنها مظهر لیبرالیسم که تجسم بی‌عدالتی‌های دموکراسی بازاری غربی هستند. پذیرش این مساله، مسلماً این نتیجه‌گیری را در پی داشت که انگیزه‌های القاعده کاملاً منطقی هستند. پس رسانه‌ها با چه

- 47. Unfreedom
- 48. Noam Chamsky
- 49. Philip Knightly
- 50. Unpatriotic
- 51. Coalition of Willing

تर्फندی در بین خودشان به این نتیجه رسیدند که این انگیزه‌های منطقی را به تروریسم غیرمنطقی تبدیل کنند؟ چرا این منطق که در دهم سپتامبر کاملاً پذیرفتنی بود، درست ۲۴ ساعت بعد ناپدید شد؟

بعضی از مسلمانان استرالیایی نیز همین پرسش را مطرح می‌کنند که چرا رسانه‌ها به علل ریشه‌ای تروریسم بین‌المللی نمی‌پردازند؟ یک مسلمان درباره قتل عام بسلان چنین اظهارنظر می‌کند:

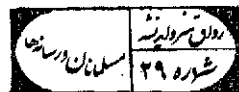
... ما تاریخچه این ماجرا را به درستی نمی‌دانیم ولی می‌دانیم که آن‌ها (مجاهدان چینی) مدت‌ها در رنج و عذاب بوده‌اند. به همین علت هم این کار را کردند گرچه کار درستی نبود. در واقع آن‌ها بدترین کار را کردند ولی یک‌سره و اکثر روزها در بدازظهرها و شب‌ها شاهد بخش رخدادهای آن‌جا خواهید بود و کودکان آن‌جا می‌گویند که وقتی بزرگ شدند می‌خواهند مبارز راه آزادی یا افسر ارتش شوند تا از کشورشان دفاع کنند. در این‌جا هم بچه‌ها به این برنامه گوش می‌کنند و دارند یاد می‌گیرند از مسلمانان متنفر باشند.

دیگری می‌افزاید:

بر سر سومالی، بوسنی هرزگوین و فلسطین چه آمد؟ روزها و سال‌ها، آن‌ها را شکنجه کردند. چه بر سر آن‌ها آمد؟ هرگز خبرهای‌شان بدین شکل پخش نشد. آن‌ها انسان‌های بی‌گناهی هستند، کودکان معصومی هستند، منظورم این است که همه دارند آن‌جا جان می‌دهند و از همان بدو تولدشان دفاع از خود را برای حفاظت از خودشان یاد می‌گیرند. این مسلماً سوگیری رسانه‌ای است.

بعضی از استرالیایی‌ها نیز از گزارشگری نامتوازن رسانه‌ها انتقاد دارند؛ برای نمونه یک خواننده درباره پوشش حداقلی رسانه‌ها از فاجعه سیو/یکس<sup>۸۲</sup> در اکتبر سال ۲۰۰۱ که در جریان آن ۳۵۰ پناهجو، از جمله ۱۵۰ کودک (عمدتاً مسلمان) در نزدیکی سواحل استرالیا غرق شدند، در مقایسه با پوشش افراطی فاجعه گروگان‌گیری بسلان در سپتامبر ۲۰۰۴ گلایه داشت.

به جز نپرداختن به مسایل بنیادین مناقشه بین غرب و افراطیون مسلمان، از قرار معلوم رسانه‌ها در ارتباط دادن هرگونه اقدام خشونت‌آمیز به مسلمانان نیز مقرر هستند. یک ناظر



مسلمان می‌گوید:

درست چند ماه پس از یازده سپتامبر چند مسجد در سیدنی تخریب شد و تظاهراتی علیه این اقدام صورت گرفت. در این تظاهرات گروهی از جوانان به خشونت روی آوردند و یکی از کانال‌ها با بیان این‌که جوانان مسلمان سعی داشتند خانه‌ها را ویران کنند این حادثه را به تصویر کشید؛ به گمانم آن‌ها سعی داشتند به یک ایستگاه رادیویی یا یک ایستگاه تلویزیونی وارد شوند. می‌توانستم در خبرها ببینم که در این تظاهرات بزرگ هزار نفر استرالیایی سفیدیوست، بومیان استرالیا و مردمانی از هر رنگ و نژاد حضور داشتند و با خود فکر می‌کردم که چطور آن‌ها متوجه شدند که تظاهرکنندگان جوانان مسلمان بوده‌اند. نمی‌توانستم مرام یا مذهب آن‌ها را مشخص کنم.

اسکات پوینتینگ<sup>۵۳</sup> و همکارانش معتقدند که این مساله به عقیده‌ای راسخ در بین برخی مفسران تبدیل شده است که ما در دوره ترس‌ها و اضطراب‌های بزرگ زندگی می‌کنیم. آن‌ها معتقدند که مفسران رسانه‌ها و سیاستمداران، اغلب درباره ترس فراگیر از جرم، ترس از اختلاف فرهنگی، سیاست ترس و نگرانی از جنگ و تروریسم صحبت می‌کنند. سخن از اضطراب، عدم امنیت و فقدان ایمنی، بلا تکلیفی و حتی پارانویاست.

همان‌گونه که گفته شد، گزارش‌های رسانه‌ها درباره جرایم، اغلب مبتنی بر نژاد و تبعیض آمیز هستند و به این باور دامن می‌زنند که ما در دوره خشونت‌های روز افزون زندگی می‌کنیم. جار و جنجال راه انداختن درباره یک جرم و سپس پافشاری بر این‌که جرایم، فراگیر و خارج از کنترل هستند بر اضطراب‌های فعلی مردم درباره ایمنی شخصی‌شان دامن می‌زند؛ وقتی این ترفند در گزارش تروریسم مورد استفاده قرار می‌گیرد، باعث می‌شود حملات تروریستی تهدیدی فوری برای مردم به نظر برسند. هر چند احتمال قربانی شدن در یک اقدام تروریستی بسیار اندک است، بمباران بی‌امان تصاویر رسانه‌ای درباره این موضع باعث می‌شود هر کسی تصور کند قربانی بعدی خود اوست.

نتایج نظرخواهی‌ها نشان می‌دهد که با وجود واقعیت این اوضاع، تهدید تروریسم مایه نگرانی مردم استرالیاست. ۶۲٪ پاسخ‌دهندگان معتقدند که استرالیا یکی از اهداف تروریست‌هاست.

53. Scott Poynting

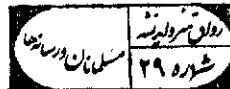
روزنامه سان هرالده<sup>۵۴</sup> در گزارشی با تیتیر «تهدید تروریسم بر کشور مستولی شده است» عنوان می‌کند که ۶۰٪ مردم استرالیا معتقدند که شیوه زندگی بی‌دغدغه آن‌ها برای همیشه عوض شده است و بیش از یک‌چهارم مردم در کشوری که به کشور خوش‌اقبال معروف بوده است، از پارائوایی عمومی رنج می‌برند. کسانی که از فقدان آزادی به علت تهاجم واقعی نگران هستند معتقدند که پوشش و دیگر سنت‌های مسلمانان نشانگر تهاجم فرهنگی است و این‌که استقبال از این تفاوت از طریق کثرت‌گرایی فرهنگی<sup>۵۵</sup> برابر است با از دست رفتن هر آن چیزی که استرالیایی بودن را باعث می‌شود.

نتایج نظرسنجی روزنامه وست استرلین نیز نشان می‌دهد که یک‌چهارم مردم استرالیا معتقدند مسلمانان خطر تروریستی هستند. در ایالات متحده، نظرخواهی دانشگاه کورنل<sup>۵۶</sup> نشان داد که جمهوری‌خواهان و کسانی که خود را کاملاً مذهبی توصیف می‌کنند در مقایسه با دموکرات‌ها یا کسانی که کمتر مذهبی هستند، بیشتر آمادگی دارند تا از محدود کردن آزادی‌های مدنی مسلمانان حمایت کنند. در استرالیا نشریه *The Age* گزارش کرد که بر اساس یک نظرسنجی سراسری تقریباً نیمی از همه آمریکایی‌ها معتقدند که دولت آمریکا باید آزادی‌های مدنی مسلمانان این کشور را محدود کند. نتایج پژوهش‌ها همچنین نشان می‌دهند پاسخ‌دهندگانی که به اختیار تلویزیون بیشتر توجه می‌کنند بیشتر احتمال دارد از حملات تروریستی در هراس باشند و از محدود کردن آزادی‌های مسلمانان آمریکا حمایت کنند. بنابراین، در این فضای فعلی پهراس، ارتباط تعمیم‌یافته خشونت با مسلمانان توسط رسانه‌ها هرگونه گفت‌وگوی هدفمند بین مسلمانان و جامعه بزرگتر را با مشکل مواجه خواهد ساخت.

در گزارش‌های کمیسیون حقوق بشر و فرصت‌های برابر و شورای ضد تبعیض نیوساوت ولز نیز از ارائه تصاویر قالبی و کلیشه‌ای از استرالیایی‌های عرب‌تبار و مسلمان انتقاد شده است. در این گزارش‌ها عنوان شده که رسانه‌های استرالیایی در نشان دادن اقلیت‌های نژادی و قومی غیر سفیدپوست به عنوان تهدیدی برای کشور و استرالیایی‌های معمولی سابقه دارند. در این رسانه‌ها این اقلیت‌ها را متفاوت و از این رو غیراسترالیایی عنوان کرده‌اند.

در بسیاری از توصیف‌های رسانه‌ای در ماه‌های اخیر واژه‌های عربی، خاورمیانه‌ای و مسلمان به شیوه‌هایی غالباً بی‌پایه و اساس و مخرب با واژه‌های مجرم و تروریست پیوند داده شده‌اند. شورای ضد تبعیض با گزارشگری تجربیک‌آمیز به جای گزارشگری تبیینی مخالفت و توصیه کرده است که شورای مطبوعات استرالیا و اداره رادیو و تلویزیون این کشور رسانه‌ها را به دادن فضا و زمان پخش به گروه‌های اقلیت، در زمانی که آن‌ها در معرض گزارش‌های منفی مستمر قرار می‌گیرند، ترغیب کنند.

54. Sun-Herald  
55. Multiculturalism  
56. Cornell



## نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان داد که در بازنمایی اسلام و مسلمانان در رسانه‌های جدید گرچه بر ستیزه‌جویان اسلام‌گرا تمرکز می‌شود ولی در عمل همگی مسلمانان خبیث جلوه داده می‌شوند و این مساله با پوششی متوازن جریان نمی‌شود. بسیار بعید به نظر می‌رسد که این رویکرد در آینده مورد ارزیابی مجدد قرار بگیرد و تعدیل شود. به نظر می‌رسد انگیزه‌های منفعت‌طلبانه رسانه‌ها از ژورنالیسم غیر مسئولانه‌ای حمایت می‌کند که به تأثیرات منفی این تمرکز بر مسلمانان میانه‌رو بی‌اعتناست و در عوض با ارائه انبوهی از گزارش‌ها و اشاره‌هایی که هم‌چنان اسلام را در کانون گفت‌وگو قرار می‌دهند، از احساسات ضد اسلامی سوء استفاده می‌کند.

بر اساس پژوهش پایگاه اطلاعاتی فکتیوا<sup>۵۷</sup> از سال ۲۰۰۱ تعداد عناوین خبری‌ای که به اسلام یا مسلمانان اشاره داشته‌اند چند برابر شده‌اند. از اول ژانویه سال ۱۹۹۷ تا اول ژانویه سال ۲۰۰۱، تعداد عناوین خبری که این واژه‌های کلیدی در آن‌ها مورد اشاره قرار گرفته است به قرار زیر هستند:

روزنامه وست استرالین ۳۷۹ عنوان؛ روزنامه وست استرالین ۲۸۹ عنوان؛ روزنامه‌های مهم زلاند نو ۱۰۰۹۸ عنوان.

چهار سال بعد، از اول ژانویه ۲۰۰۱ تا اول ژانویه ۲۰۰۵، این ارقام به شکل چشمگیری افزایش یافتند؛ در روزنامه وست استرالین این عناوین تا ۶۰٪ افزایش یافتند و به ۶۰۸ مورد رسیدند؛ در روزنامه وست استرالین تا ۱۹۹٪ افزایش یافتند و به ۱۱۶۵ مورد رسیدند؛ در روزنامه‌های مهم زلاندنو تا ۱۶۷٪ افزایش یافتند و به ۲۶۹۵۳ مورد رسیدند.

برتری فرهنگی رسانه‌ها از طریق تیتراها و تصاویر و نحوه ارائه آن‌ها، دلالت بر آن دارد که آداب و رسوم، پوشش و سنت‌های مذهبی مسلمانان با فعالیت‌های تروریستی ستیزه‌جویان اسلام‌گرا پیوندهایی شرارت‌بار دارند. رسانه‌ها به جای پرداختن به سوء تفاهم‌ها درباره دین اسلام و برطرف ساختن آن‌ها و تحلیل علل ریشه‌ای تروریسم، بیشتر به حفظ اضطراب در جامعه علاقه‌مند هستند. رسانه‌ها بی‌وقفه با برقراری ارتباط بین مسلمانان میانه‌رو و تصاویر افراطی‌ها یا تیتراهای مربوط به خشونت، مسلمانان استرالیا را در وضع دشواری قرار داده‌اند.

• این مقاله با نام (Representation of Islam and Muslims in the Australian Media, 2001-2005) نوشته ناهید کبیر (NAHID KABIR) از منبع زیر برداشت و ترجمه شده است. هم‌چنین بی‌نوشت‌ها در دفتر ماهنامه موجود است:

Journal of Muslim Minority Affairs, Vol. 26, No. 3, December 2006



57. Factiva

